

موانع اجتماعی تفکر در الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس نظریه پردازی داده محور از قرآن

علی نقی ایازی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان*
علی ربانی خوراسگانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

روش‌شناسی علمی، نظامی از قواعد و روش‌هاست که پژوهش بر اساس آن استوار بوده، ادعای معرفت‌ارزیابی می‌شوند. نظریه زمینه‌ای^۱ می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های پژوهش کیفی و مبتنی بر داده‌ها به تحلیل عالمانه‌ای در این زمینه دست یابد. این نوشتار با بهره‌گیری از پارادایم تفسیر اجتماعی و استقرا در آموزه‌های قرآن و با استفاده از فنون و مراحل نظریه زمینه‌ای به بررسی موانع اجتماعی تفکر در الگوی اسلامی پیشرفت می‌پردازد. مجموع آیات استقرا شده، چهار ویژگی خودخواهی‌های فراگیر شده، اختلال در فرایند جامعه‌پذیری، فقدان آموزش‌های صحیح تفکر و فقدان سعه صدر را از موانع تفکر در فرایند پیشرفت معرفی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: روش‌شناسی، پژوهش کیفی، نظریه زمینه‌ای، تفسیر اجتماعی، موانع اجتماعی تفکر، الگوی اسلامی پیشرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از رویکردهای مطالعه آیات قرآن، مبتنی بر تفسیر اجتماعی است. در همین راستا، مباحث مفسران در ادوار مختلف و با تنوع سلاقی در تفاسیر وجود دارد. تفاسیری چون المیزان فی تفسیر القرآن، نمونه، الکاشف، فی ظلال القرآن و تفاسیر دیگر، نمونه تفاسیری هستند که به نوعی مباحث اجتماعی قرآن را تقریر کرده‌اند که بیشتر در قالب اندیشه‌های اجتماعی و نه جامعه‌شناسی، از آن یاد می‌شود، ولی اقتضای مطالعات میان رشته‌ای دانش جامعه‌شناسی و تفسیر قرآن، کاربرد دقیق و متخصصانه از مفاهیم جامعه‌شناختی این مباحث است. این موضوع، اهمیت کاربرد مطالعات میان رشته‌ای را مضاعف می‌کند؛ چرا که بیش از یک قرن از تولد دانش جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته تخصصی گذشته، دانشی که دارای اصول موضوعه، مفاهیم بنیادین، فرضیه‌های اساسی و دیدگاه‌ها و آرای گوناگونی در زمینه‌های گوناگون است. بنابراین، کاربرد دقیق و عالمانه این مباحث امری مورد انتظار از جامعه علمی است.

برای تحقق این مهم، می‌توان با استفاده از پارادایم تفسیر اجتماعی و نگاه جدید به آموزه‌های قرآن، در پی ارائه پیام‌های اجتماعی قرآن برآمد و فصل نوینی در آن گشود. به عبارت دیگر، این رویکرد نوعی نگرش و اعتقاد به این اصل است که قرآن افزون بر پیام‌های فردی، قوانین و احکام اجتماعی دارد که باید آنها را برجسته کرد و قرائت جدیدی از آن ارائه داد؛ چیزی که در تفاسیر پیش از این قرن کمتر به آن پرداخته می‌شد.

مفهوم پیشرفت و طراحی الگوی آن نیز از آن دسته مفاهیمی است که در ادبیات جامعه‌شناسی قرار گرفته و برای بومی سازی آن و بهره‌مندی از منابع دینی و کاربرد آن در جامعه اسلامی، لازم است تتبع و پژوهش در این زمینه داشته باشیم. بر این اساس، «باید در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، بر چهار عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه

عرصه‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، سایت رهبری). زیرا آدمی دارای قدرت تفکر و اندیشه است و از آن به عنوان محور اصلی شناخت یاد می‌کند و از منظر تعالیم دینی تفکر اعظم عبادات بشری است و در سایه کنش‌های متفکرانه است که می‌توان شاهد پیشرفت بود.

این مهم پژوهشگر را بر آن داشت تا با استفاده از روش پژوهش کیفی و بهره‌مندی از فنون و مراحل نظریه‌زمینه‌ای دست به استخراج و استنباط تفسیر اجتماعی آیات وحی بپردازد. بر این اساس، بررسی موانع اجتماعی تفکر به عنوان یکی از اضلاع چندگانه الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن، مبتنی بر نظریه زمینه‌ای (داده محور)، هدف از نگارش این مقاله خواهد بود.

درباره موضوع پژوهش، اگر چه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته و با توجه به تأسیس مرکزی با عنوان «مرکز الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت» زمینه مطالعاتی آن بیشتر فراهم گردیده، ولی به طور مشخص چنین موضوعی که هم به بحث موانع تفکر در الگو پرداخته باشد و هم از آموزه‌های قرآن بهره برده باشد، دیده نشده است، ولی در عین حال برخی از پژوهش‌های نسبتاً مرتبط گزارش می‌شود.

«جامعه‌شناسی معرفت در قرآن»، نوشته صادق گلستانی در نشریه معرفت به آرای جامعه‌شناسانی اشاره می‌کند که در باب معرفت، بر بررسی فرایند شکل‌گیری دانش و سنجش درستی و خطای آن به جای منطوق درونی به عوامل بیرونی تأکید می‌ورزد و از ارتباط معرفت و جامعه و نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری معرفت سخن به میان می‌آورد. این دسته از جامعه‌شناسان بر این باورند که نباید شناخت را کوشش یک ذهن کاملاً نظری تلقی کرد، زیرا ذهن انسان محصول شماری از عناصر غیرنظری است که از مشارکت انسان در زندگی اجتماعی و جریان و تمایلات گوناگونی که همزمان در زندگی شکل می‌گیرد، پدیدار می‌شود. بنابراین، در یک رشته معرفت‌شناسی جدید؛ یعنی جامعه‌شناسی معرفت نیاز است که جایگزین معرفت‌شناسی پیشین، مثل کانت شود.

در فرایند انجام این پژوهش از مفاهیمی یاد شده، لذا مناسب است ابتدا تعریفی از آنها ارائه شود.

مفهوم لغوی و اصطلاحی پیشرفت

مفهوم پیشرفت را می‌توان معادل واژه "تنمیه" لغت عرب، به معنای رشد و افزایش تدریجی دانست.

"نویسنده این سطور به جای معادل‌های توسعه، رشد، یا رشد همه جانبه اجتماعی - اقتصادی، واژه پیشرفت را به عنوان معادل بهتر، رساتر و دقیق‌تر مفهوم Development فرانسه و انگلیسی پیشنهاد می‌کند" (اسدی، ۱۳۷۳: ۱۶).

این پیشنهاد به دلایل زیر مناسبتر است:

۱. واژه پیشرفت بر خلاف توسعه در بعد و سطح نارسا نیست.
۲. تداخلی با مفهوم مستقل رشد (به عنوان معادل دقیق واژه Lacroissance فرانسه و growth انگلیسی) پیدا نمی‌کند.
۳. نیازی نخواهد بود تا در برابر واژه یک کلمه‌ای Development در فارسی معادل پنج کلمه‌ای رشد همه جانبه اجتماعی - اقتصادی را بگذاریم.
۴. این واژه در زبان فارسی نیز مانند زبان‌های اصلی، واژه‌ای است جهت‌دار، و به مفهوم ریاضی، جبر و فیزیک کلمه‌ای بردار گونه است و در نتیجه، تکامل، ترقی، بهتر شدن و پیش رفتن در مفهوم آن مستتر است (همان).

با این وصف، واژه پیشرفت معادل development، مفهوم رشد و افزایش تدریجی در ابعاد مختلف شؤن زندگی، در آن ظهور دارد و ناظر به ارتقا از یک وضعیت به شرایط مطلوب است و از واژه توسعه در تعاریف ذیل، یا استفاده نشده است و یا در صورت استفاده، به معنای پیشرفت به کار رفته است.

دکتر عبدالهادی الجوهری، پیشرفت را چنین تعریف می‌کند: "پیشرفت، برنامه‌ریزی و عملی‌سازی مجموعه‌ای از کوشش‌های اجتماعی و اقتصادی با ایدئولوژی خاص، به منظور دگرگونی هدفمند برای انتقال از وضعیتی نامطلوب، به

در این رشته علمی از تعینات اجتماعی معرفت و نقش عوامل اجتماعی در نحوه شکل‌گیری دانش و نوع آن بحث می‌شود و از منظر قرآن درباره ارتباط جامعه و معرفت و تعینات اجتماعی دانش کاوش می‌شود.

«جامعه‌شناسی معرفت ماکس وبر»، نوشته احمد هاشمی، نشریه معرفت: وی جامعه‌شناسی معرفت را از جمله زیر شاخه‌های دانش جامعه‌شناسی دانسته که به سرعت رشد و توسعه روز افزون یافته است. این علم به بررسی نحوه ارتباط معرفت بشری با واقعیات اجتماعی می‌پردازد.

این مقاله به بررسی جامعه‌شناسی معرفت ماکس وبر اختصاص دارد و در صدد پاسخگویی به چگونگی ارتباط و تأثیر ارزش‌های مخلوق جامعه بر دانش طبیعی، اجتماعی و تاریخی و نیز تأثیر واقعیات اجتماعی بر دین است.

«موانع تفکر صحیح از دیدگاه قرآن کریم»، منتشر شده در نشریه معرفت: در این نوشتار با روش استنادی و تحلیلی و با مراجعه موردی به آیات قرآن و برخی از تفاسیر معتبر، موانع اصلی تفکر صحیح را از منظر آیات وحی بررسی و تبیین می‌نماید.

تمایز نوشتار حاضر نسبت به پژوهش‌های صورت گرفته در این است که در این پژوهش با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده محور به استخراج موانع اجتماعی تفکر پرداخته شده و این دسته از موانع طی چند مرحله کدگذاری شده و بدون هیچ‌گونه تصرفی از سوی پژوهشگر، داده‌ها در کنار هم قرار گرفته و نهایتاً نظریه موانع اجتماعی تفکر را شکل داده است.

چارچوب مفهوم و نظری

تدوین چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است که در تولید نظریه داده محور مورد قبول است. بر اساس رویکرد تفسیری، هدف پژوهش علمی درک و فهم معناست که در سطوح بالاتر، تبدیل به یک‌سری ساختارهای کلان‌تر می‌شود (ایمان، ۱۳۸۷).

وضعیتی مطلوب است" (الجوهری و دیگران، ۱۹۸۲ م: ۱۱۱).

عرصه‌های پیشرفت

پیشرفت دارای عرصه‌هایی است که هر کدام از آنها دارای مختصات و ویژگی‌هایی است که حاصل جمع آنها و تعامل تأثیرگذار هر کدام بر دیگری می‌تواند روند پیشرفت را موجب شود، یا این فرایند را تسریع بخشد.

چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت در فرمایش‌های مقام رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی^{۱۰} ایرانی پیشرفت مورد توجه بوده و از این میان به عرصه فکر و موانع پیش روی پژوهش متمرکزی صورت می‌گیرد و در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد:

عرصه فکر: ایشان می‌فرمایند: جامعه باید به سمت جامعه متفکر و اهل فکر حرکت کند و در این مسیر ابزارها آموزش و پرورش و رسانه‌ها هستند (رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱: ۱۱).

بر این اساس، مقوله تفکر و عوامل مؤثر بر آن، از آن دسته مقولاتی است که در حوزه جامعه‌شناسی معرفت از آن بحث می‌شود. «به طور کلی، دو دیدگاه متفاوت در رابطه با چگونگی ارتباط جامعه و شناخت حاصل از تفکر وجود دارد». به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان معرفت، همچون دورکیم، مارکس و مارکسیست‌های پوزیتویست، محتوای شناخت نیز به لحاظ اجتماعی متعین است؛ یعنی امر اجتماعی ماهیت و ذات معرفت را به وجود می‌آورد. در این تلقی، اصل و ماهیت معرفت، توسط جامعه ایجاد می‌شود، ولی در جانب دیگر، نظریه‌هایی وجود دارد که تأثیر و نفوذ اجتماعی را تنها از حیث گزینش شکل و صورت معرفت می‌دانند. دیدگاه ماکس شلر و ماکس وبر از آن جمله‌اند.

مسئله اصلی جامعه‌شناسی معرفت، توضیح رابطه محتوای معرفت با عوامل اجتماعی بررسی چگونگی شکل‌گیری دانش‌های متفاوت در محیط‌های متفاوت و نیز نحوه این رابطه می‌باشد» (علیزاده، ۱۳۷۶: ۴۷).

موانع پیشرفت

موانع پیشرفت، اختلال در هریک از راهبردهای پیشرفت می‌تواند تلقی شود. اختلال در اشاعه فرهنگ دانش‌افزایی، دسته‌ای از این موانع شمرده می‌شود. گستره جهل و غلبه نادانی‌ها بر معلومات بشری می‌تواند فرایند پیشرفت را با اختلال جدی مواجه ساخته، راه پسرقت را هموار نماید.

زوال عقلانیت و یا افول خردگرایی از دیگر موانع پیشرفت تلقی می‌شود که می‌تواند دارای ابعادی در سطح خرد و کلان، زمینه‌های شرایطی، زمینه‌ای و یا فرایندی باشد. هر کدام از این دسته موانع اندیشه‌ای از جهتی می‌تواند فرایند تفکر را مختل کند.

فقدان تحمل نقد و انتقاد از سوی دیگران، تعصب‌ها و پیشداوری‌ها، عادات نادرست و آن دسته از نگرش‌ها و انگیزه‌هایی که فرایند تفکر را مختل می‌کند، مانند: تفکر منفی، انتقادهای ناروا و بهانه‌جویی، تمسخر و تحقیر، پرهیز از خطر و یا ترس از شکست و...

برخی از موانع یاد شده نیز در فرایند انجام این مطالعه به دست آمده است که در صفحات پیش رو بدان اشاره شده است.

پرسش‌های پژوهش

- مختصات موانع تفکر و اندیشه در الگوی پیشرفت اسلامی از منظر قرآن چیست؟
- موانع فرهنگی تفکر در پیشرفت دارای چه مختصاتی است؟
- موانع اجتماعی تفکر در پیشرفت دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
- ساخت عناصر موانع اجتماعی تفکر از چه الگویی پیروی می‌کند؟
- چه عواملی شکل‌گیری چنین الگویی را فراهم آورده است؟
- بعد سیاسی موانع تفکر در پیشرفت دارای چه مؤلفه‌هایی است؟
- ساخت عناصر بعد سیاسی از چه الگویی پیروی می‌کند؟

انسانی روا نمی‌دانند و برای روش کیفی ویژگی‌هایی برمی‌شمارند، از جمله "انتخاب صحیح نظریه‌ها و روش‌های مناسب، به رسمیت شناختن و تحلیل دیدگاه‌های مختلف، تأثیر پژوهشگران بر تحقیق‌شان به منزله بخشی از فرایند تولید دانش و تنوع رویکردها و روش‌ها" (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵).

بر این اساس، تفاوت دو روش تحقیق کمی و کیفی مبتنی بر پارادایم‌های حاکم بر آنهاست. "تفاوت‌های اساسی معرفت‌شناختی میان این دو رویکرد بدین معناست که این دو روش پژوهش بر مبنای اصول متفاوتی در زمینه ماهیت معرفت به جهان اجتماعی و چگونگی تولید مشروع آن کار می‌کنند" (برایمن، ۱۳۸۹: ۷۵).

پنج مرحله دزین برای تعریف یک روش‌شناسی عبارتند

از:

۱. جایگاه محقق در سنت تحقیق؛
۲. پارادایم‌ها و چشم‌اندازهای نظری؛
۳. راهبرد (استراتژی)های تحقیق؛
۴. روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها؛
۵. تفسیر و ارائه یافته‌ها (Lehmann, 2020:24).

مزیت استفاده از پژوهش کیفی: تولید نظریه داده محور

پژوهش کیفی دارای انواع مختلفی است که به تناسب مسأله تحقیق، تجربه پژوهشگر و دیگر جوانب در فرایند پژوهش از آن استفاده می‌شود.

تولید نظریه داده محور یکی از روش‌های پژوهش کیفی است و «بیشتر هنگامی مناسب است که درباره یک موضوع، دانش کافی وجود نداشته باشد» (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴) (Glaser & Strauss, 1980) و یا «تئوری مدونی در آن موارد موجود نباشد تا بتوان بر اساس آنها فرضیه یا فرضیه‌هایی برای آزمون تدوین نمود» (منصوریان، ۱۳۸۵: ۳). علاوه بر این که «نظریه زمینه‌ای متدولوژی است که هدفش توسعه تئوری‌هایی با برد متوسط (Merton, 1967) بوده و به‌ویژه برای توصیف علوم کاربردی نیز جالب است. علاوه بر این، امروزه نظریه زمینه‌ای

- چه عواملی شکل‌گیری چنین الگویی را فراهم آورده است؟

روش‌شناسی

روش، مسیری است که برای تحصیل یک معرفت طی می‌شود. با آنکه روش اغلب هویتی آگاهانه و معرفتی دارد، غیر از روش‌شناسی است. روش‌شناسی نوعی معرفت درجه دوم است که از نظرکردن به روش‌های معرفتی پدید می‌آید، بنابراین، روش‌شناسی، معرفتی است که موضوع آن روش است (سایر، ۱۳۸۵: ۲۱).

از دیگر سو، آنچه رویکرد علمی را از دیگر روش‌های کسب معرفت متمایز می‌کند، روش‌شناسی آن و همچنین فرض‌هایی است که بر پایه آنها قرار گرفته است.

بر این اساس، روش‌شناسی علمی، نظامی از قواعد و روش‌هاست که پژوهش بر اساس آنها استوار است و با استفاده از آنها، ادعاهای معرفت ارزیابی می‌شوند (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۳).

روش‌های متداول در علوم اجتماعی برای ارزیابی مسائل اجتماعی، عموماً به دو روش کمی و کیفی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و هر یک از این روش‌ها برخوردار از تکنیک‌های خاصی است که به فراخور موضوع، امکانات، زمان و دیگر عوامل، در پژوهش‌های اجتماعی به کار گرفته می‌شود.

ماهیت پژوهش‌های کمی بر این فرض استوار است که اطلاعات مورد نیاز برای استنباط معانی و تفسیر وقایع اجتماعی به صورت استقرایی و با استفاده از روش‌های مشاهده و آزمایش به دست می‌آید و این امر طبیعتاً تحلیل‌های دقیقتری به دست می‌دهد و قابلیت تعمیم دارد، در حالی که پژوهشگران کمی، پژوهش‌های کیفی را دارای این مختصات نمی‌دانند.

از دیگر سو، پژوهشگران پژوهش کیفی بر این باورند که محدودیت‌های پژوهش کمی نقطه شروعی برای استدلال به نفع پژوهش کیفی بوده است، زیرا بهره‌مندی از روش‌های علوم طبیعی، که مشی تحقیق کمی است، در حوزه علوم

است از روش خاصی استفاده کرده، لازم است کلیه رویه‌های متناسب با آن روش را مد نظر قرار دهد (فلیک، ۱۹۹۸؛ محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴۲).

برای شناخت میزان سازگاری این روش، ابعاد مختلفی قابل بررسی است.

اولین معیاری که از آن به عنوان معیارهای داوری یاد می‌شود، روشن بودن هدف یک تحقیق است: آیا انتظار از انجام چنین پژوهشی تولید نظریه است؟ و یا محقق فقط در صدد توصیفی از داده‌هایی است که با موضوع تحقیق مرتبط است؟

در پاسخ چنین می‌گوییم: «سبب اصلی پرداختن به نظم‌دهی مفهومی در کار پژوهش کیفی آن است که این گونه تحلیل پیش درآمد نظریه‌پردازی است. نظریه پرورده، نظریه‌ای است که مفهوم‌ها در آن بر حسب ویژگی‌ها و ابعاد معینی تعریف شده است» (همان، ۴۲). به عبارت دیگر، «در قلب نظریه‌پردازی، تقابل میان استقرا و قیاس قرار دارد. استقرا به معنای بیرون کشیدن مفاهیم و ویژگی‌ها و ابعاد از داده‌هاست و قیاس به معنای به کارگرفتن یک فرضیه موجود در خصوص رابطه بین مفاهیم است» (همان، ۴۳).

نظم‌دهی مفاهیم و مقولات در این تحقیق از سه نوع کدبندی برخوردار است که پایانه آن نظریه الگوی موانع تفکر را به وضوح نشان داده است. در نظام کدبندی این تحقیق، ابتدا مقولات عمده و ابعاد و ویژگی‌های آن شناسایی شده؛ به طوری که نمودار تعامل مقولات با ابعاد و ویژگی‌ها رسم شده، در مرحله بعد کیفیت تعامل مقولات مرتبط با هم تجزیه و تحلیل شده است و نهایتاً این که چگونگی تعامل مقولات با ویژگی‌ها و ابعادش در دسته‌های موانع، طبقه‌بندی شده و رابطه این دسته از مفاهیم و مقولات، نظریه موانع تفکر را شکل داده است.

دومین معیار، از آن جایی که روش‌شناسی تولید نظریه داده محور در ذیل روش‌های تحقیق کیفی قرار می‌گیرد، یکی از مؤلفه‌های مورد توجه و قابل اعتنای آن خصوصیت محقق

نقش بخصوصی در شاخه‌های علوم اجتماعی ایفا می‌کند (Hildenbrand, 2000:22). لذا در پژوهش حاضر به علت محدودیت اطلاعات و عدم انطباق مفاهیم در منابع دینی با واژگان امروزی آن از یک سو و از طرفی، به علت عدم استخراج الگویی از پیشرفت در این دسته از منابع، به نظر می‌رسد با استفاده از روش پژوهش کیفی و بالاخص بهره‌مندی از تکنیک نظریه زمینه‌ای بتوان موانع اجتماعی الگوی پیشرفت را از منابع دینی استحصال کرد.

در نظریه داده محور، نظریه مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند. در این روش گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد، شروع نمی‌کند (مگر آن که منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۳۴).

"گر چه مفهوم‌ها را از دل داده‌ها بیرون کشیدن مشخصه اصلی این روش است، اما خلاقیت پژوهشگر نیز از مصالح اصلی آن است" (همان).

معیارهای اعتبار و روایی در این تحقیق

ارزیابی و داوری تحقیق توسط دیگر پژوهشگران امری است که به اتقان هر چه بیشتر پژوهش کمک می‌کند. بر این اساس، کربین و اشتروس معیارهایی را، در قالب پرسش‌هایی، برای سنجش تحقیق مبتنی بر تولید نظریه داده محور پیشنهاد داده‌اند که سزاوار است محقق به آنها پاسخ دهد تا خواننده بتواند در فرایند مطالعه یافته‌های تحقیق به داوری مطلوبی دست یابد.

کربین و اشتروس معیارهایی به شرح زیر پیشنهاد کرده‌اند:

سازگاری روش شناختی: به این معنا که اگر محقق مدعی

یافته‌های تحقیق به قرآن پژوهان با گرایش اجتماعی ارائه و از آنها خواسته شد نظرهای تفسیری و برداشت‌های اجتماعی خویش را باز گویند. در این فرایند میزان انطباق نظرهای کارشناسی با نتایج بازمینی شد.

معیار چهارمی که در داوری مورد کاوش قرار می‌گیرد، عبارت از این است که با توجه به موضوع مطالعه و هدف بیان شده محقق، روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای چه طور به هدف بیان شده کمک می‌رساند؟ آیا این روش برای عنوان کردن موضوع تحقیق می‌تواند مناسب باشد؟

بررسی موانع تفکر در طراحی الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآنی از آن دست موضوع‌هایی است که یا در این زمینه مطالعه‌ای صورت نگرفته و یا این که با توجه به مسائل نوین می‌خواهیم درباره آن فهم جدیدی به دست آوریم. علاوه بر این، عموماً هر آنچه امروزه به نام آراء در حوزه پیشرفت بر اساس تعالیم اسلام ارائه می‌شود، شاید بتوان از آن به عنوان آراء مسلمین یاد کرد که ممکن است در برخی از زوایای آن با آموزه‌های قرآنی انطباق داشته باشد و در برخی از زوایا چنین نباشد. بنابراین، اتخاذ رویکرد نظریه‌پردازی داده محور این امکان را به محقق می‌دهد که داده‌ها را مستقیماً از کلام وحی دریافت کند و بر اساس اسلوب خاصی که در این روش ارائه شده، به توصیف و تحلیل واقع بینانه‌ای دست یابد.

کاربرد تفسیر عصری در تحلیل داده‌ها

تفسیر اجتماعی قرآن به عنوان یکی از اقدامات اساسی در فرایند انجام کار مد نظر بوده است. بر اساس متدهای مختلف تفسیری که در علم تفسیر وجود دارد، به نظر می‌رسد تفسیر عصری بهترین متد در تحقیق حاضر باشد، زیرا یکی از تحولات جدی در عرصه قرآن پژوهی، تحول از دیدگاه فردی و اخروی، به دیدگاه عرفی و اجتماعی است.

در راستای تحول نهضت نوخواهی و نواندیشی و قرار دادن و انتظار داشتن خواسته‌های دنیوی و نیازهای اجتماعی،

است. محقق این نوع روش تحقیق سزاوار است دارای خصوصیتی باشد که او را هنگام تحقیق کیفی از یک محقق روش کمی متمایز سازد. «این پژوهشگران (کیفی) از این که به هنگام تحلیل داده‌هایشان به تجربه‌های خود اتکا کنند، هراس ندارند، زیرا می‌دانند همین تجربه‌ها مبنای مقایسه و کشف ویژگی‌ها یا خصیصه‌ها در پدیده‌ها، و ابعاد این ویژگی‌ها در آنهاست» (استراوس، کرین، ۱۳۹۰: ۲۷). «محقق بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تحقیق و یافته‌های حاصله است. لذا بسیار مهم است که محقق از این امر آگاه بوده و سوگیری‌ها و فرض‌های خود را مد نظر داشته باشد. آیا شما نسبت به خودتان به عنوان یک محقق کیفی آگاه بوده‌اید؟» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۴۲).

به عبارت دیگر، در سنجش این معیار یه این دسته از پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم که آیا موضوع انتخاب شده با حوزه پژوهشی محقق همخوانی دارد؟ و چه ربطی بین این تحقیق و دیگر موضوع‌های تحقیق شده از سوی محقق دارد؟

در پاسخ چنین گفته می‌شود که دلایلی می‌تواند گواهی بر همخوانی موضوع انتخاب شده با حوزه پژوهشی محقق داشته باشد: اول این که محقق دانش‌آموخته جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد بوده و قریب سه دهه سابقه حوزوی دارد؛ دوم این که نوع تحقیقات او در گذشته مطالعات میان رشته‌ای بین جامعه‌شناسی و قرآن پژوهی بوده است. لذا دغدغه‌های جدی او در نگارش و نشر کتاب «مفاهیم اجتماعی در قرآن» طی یک دهه در قالب سه جلد کتاب قریب به دو هزار صفحه و نگارش کتاب در دست نشر *درآمدی بر تغییرات اجتماعی در قرآن* با استفاده از روش‌های کیفی گواه دیگری بر همخوانی موضوع انتخاب شده با حوزه پژوهش دارد.

معیار سوم، رجوع به نظرهای کارشناسی بوده است. به علت امکان برداشت‌های نادرست و انتساب آن به منبع وحی، و سواس و دقت نظر محقق در کنترل یافته‌های تحقیق و به منظور افزایش اطمینان از نتایج و به تعبیر فلیک برای «باورپذیری تفسیرها برای خوانندگان» (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۲۴)

است" (همان: ۴۳؛ عقاد، ۱۹۶۲ م: ۲۳۴).

خصوصیت دیگر این نوع تفسیر توجه به زمینه‌های اجتماعی نزول آیه است. بدین معنا که مفسر با توجه به خصوصیت شأن نزول آیه اعم از شرایط اجتماعی حاکم، مخاطبان آن، انگیزه‌ها، استعداد، افکار و آرزوهای‌شان دست به تفسیر زده و متناسب با آن بتواند برداشتی اجتماعی ارائه دهد. البته، بدیهی است که این نوع برداشت نباید با اصول کلی تفسیر ناسازگار باشد.

و بالاخره، "اصل دیگری در تفسیر عصری، معین کردن انتظار از دین است؛ به این معنا که مفسر عصری با پذیرفتن چه انتظاراتی به سراغ تفسیر قرآن می‌رود. بدون شک، خداوند از کلماتی که به عنوان وحی به پیامبر نازل کرده، معنایی را قصد کرده و اهدافی داشته است" (ایازی، ۱۳۷۵: ۸۹).

با توجه به این که از طراحی الگوی پیشرفت به عنوان یکی از موضوع‌های اجتماعی یاد می‌شود و مورد نیاز جوامع اسلامی است، محقق در صدد است تا با توجه به آموزه‌های جامعه‌شناسی پیشرفت و نیازهایی که به آن در شرایط موجود درک کرده، پیام قرآن را شرح دهد و از آن جا که درباره ابعاد الگوی پیشرفت در متون دینی دانش موجود اندک است، می‌توان با استفاده و بهره‌مندی هر چه بیشتر از داده‌های علمی جامعه‌شناسی برای استخراج الگوی پیشرفت از آیات قرآن مدد جست. «در مجموع، وقتی دانش اندکی یا هیچ دانش قبلی در مورد زمینه تحقیق وجود نداشته باشد و همچنین، هنگامی که توضیحات نظری جدید بر پایه دانش قبلی لازم باشد، استفاده از راهبرد پژوهش داده محور مفید است» (Grbich, Carol, 2007:70)

در این تحقیق، با استفاده از نمونه‌گیری نظری داده‌ها جمع‌آوری شده و نظریه شکل گرفته است. «نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیلگر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری، و آنها را کجا پیدا کند، تا بدین

چون تشکیل حکومت، نظام اقتصادی و سیاسی، تمدن و صنعت از دین و استخراج آن از لابه لای متون آیات شکل می‌گیرد. در این میان، دو گرایش پیش از همه چشمگیر بود: یکی اتکای به عقل در فهم قرآن و دیگری کوشش در وفاق دادن بین اسلام و معیارهای جدید زندگی (ایازی، ۱۳۷۵: ۱۰۳).

برخی از جنبه‌های تفسیر عصری بدین شرح‌اند:

"تفسیر عصری شیوه‌ای نو در ارائه مباحث جهان‌بینی و اعتقادی است که مفسر با توجه به آگاهی‌هایی که کسب کرده و نیازهایی که در عصر خود درک می‌کند، پیام قرآن را شرح می‌دهد. در طرح مباحث به مسأله شرایط روحی مخاطبان و پرسش‌هایی که آنان دارند، توجه می‌کند، لذا مطالب خود را مناسب و سازگار با دانش‌های عصر ارائه می‌دهد..... در کنار توضیح واژه‌ها و لغات مشکل، تلاش می‌کند تا قرآن را به عنوان منبع غذای معنوی و رشد خود آگاهی‌های بشری معرفی کند و غذای همیشه تازه و با طراوت و مناسب با عصر ارائه دهد" (همان: ۲۹).

پیش فرض تفسیر عصری، بهره‌مندی هر چه بیشتر از داده‌های علمی برای فهم بهتر آیات قرآن است؛ چنانکه این حقیقت از گذشته‌های دور مورد تأکید قرآن پژوهان قرار گرفته که: "کل من كان حظّه في العلوم او فر، كان نصيبه من علم القرآن اكثر" (زرکشی، ۱۹۹۴ م، ج ۲: ۴۸). کسی که از علوم زمانه خود بیشتر بداند، نصیبش از حقیقت قرآن بیشتر است.

"بنابراین، سخن از تفسیر عصری به معنای منطبق کردن علوم بر قرآن نیست، بلکه سخن از پرده‌برداری از معنای آیه در سایه دانستنی‌های بیرونی است" (ایازی، ۱۳۷۵: ۴۲).

"تفسیر عصری را ارائه فهمی نو برای مخاطبان عصر می‌دانند؛ فهمی که بتواند با اندیشه و واقعیات عصر مناسب باشد" (همان). نویسنده کتاب قرآن و تفسیر عصری به نقل از عباس عقاد در کتاب *الفلسفه القرآنیة* درباره خصوصیت تفسیر عصری چنین می‌نویسد: "فهم قرآن مسلماً محدود به گذشتگان اعراب بدوی نمی‌شود و محدود به نسل قرن بیستم هم نیست. فهم قرآن، عام و کلی و برای هر عصر و مکانی

در سطح ثانویه از کدگذاری باز محقق دیگر با متون خام کاری ندارد، بلکه با مفاهیمی که تولید کرده است، سر و کار دارد. هدف این مرحله از کدبندی، تولید و استخراج مقوله‌های عمده است. در این سطح از کدبندی از معنادارترین یا فراوانترین کدهای اولیه استفاده می‌شود و محقق ضمن مراجعه به شرح‌واره‌های هر کد و مقایسه کردن کدها با همدیگر درصد شناسایی کدهای متداخل و مشابه و مشترک است. در این مرحله نیز محقق برای هر کدام از مقوله‌ها مجدداً شرح‌واره‌ای نوشته و در رابطه با کد مربوطه و فضای مفهومی آن چند سطر توضیح می‌دهد (همان).

مرحله اول با توجه به مفهوم ظاهری این دسته از آیات، عملیات کدگذاری باز درباره آنها انجام شد؛ بدین معنا که کدی متناسب با سیاق آیه به آن اختصاص داده شد. در ادامه چنانچه سیاق ظاهری پذیرنده کد نبود؛ یعنی مفهوم ظاهری دلالت روشن و واضحی از آن استنباط نمی‌شد، به آن دسته از تفاسیری که در بیان معنوی مفاهیم آیه دلالت روشن‌تری می‌کند، مراجعه کرده و کد انتسابی بر اساس آن گزاره تفسیری انتخاب شد.

برای صراحت هر چه بیشتر جدول ۱ رسم می‌شود. در ستون اول آن آیه درج می‌شود (به علت محدودیت فضا آیات نیامده است)؛ ستون دوم حاوی ترجمه مبسوط آیه (بر اساس ترجمه آیت الله مکارم)؛ ستون سوم، حاوی کد باز بر اساس مفهوم تصریح شده در آیه برای آن دسته از آیاتی که صراحت داشته و دلالت تفسیری برای آن دسته از آیاتی که دلالت روشن از آیه برای آن نمی‌توان استنباط کرد؛ در ستون چهارم یادداشت محقق درج می‌شود، که توضیحی از ارتباط کد پیشنهادی بر اساس سیاق آیه یا دلالت معنوی تفسیر است. به علت اختصار از انعکاس جدول ۱ پرهیز شده و فقط جداول بعدی و نتایج آن مورد بحث قرار گرفته است.

کدبندی متمرکز (سطح دوم)

سطح دوم کدبندی باز در این مرحله دسته‌بندی مفاهیم نسبتاً

وسيله نظریه‌اش را هنگام شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند» (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸)

فرایند پژوهش

با استفاده از فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، موانع اجتماعی عدم تفکر و پیامدهای آن در فرایند پیشرفت از آیات قرآن استخراج گردیده، سپس یافته‌ها با چند عنوان مرتب شده و نتایج مربوط به هر عنوان در ذیل آن ارائه گردیده است. مطالب ذیل هر عنوان، در چهار "زیر بخش" با عناوین کدبندی اولیه (سطح اول)، کدبندی متمرکز (سطح دوم)، کدبندی محوری و کدبندی متمرکز، که در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای از آن بحث می‌شود، به ترتیب مطرح شده است.

کدگذاری باز آیات

"کدبندی باز از نظر واحد تحلیل می‌تواند به صورت سطر به سطر، عبارت به عبارت، یا پاراگراف به پاراگراف یا به صورت صفحه‌جداگانه انجام شود. چنانچه واحد کدبندی، سطر باشد، به هر یک از سطرها یا جمله‌ها، مفهوم یا کدی الصاق می‌شود. این کد یا مفهوم باید بتواند حداکثر فضای مفهومی و معنایی آن را اشباع کند. در این مرحله تمام اطلاعات کدبندی می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳۰؛ شریبر، ۲۰۰۱ و نیومن، ۲۰۰۶).

این نوع کدبندی می‌تواند دارای دو سطح اولیه و ثانویه باشد. در سطح اولیه به هر واحد مورد نظر یک کد الصاق می‌شود. این مفهوم باید بتواند فضای مفهومی آن را تا حد امکان اشباع کند (همان: ۳۳۱).

"در امتداد با کدبندی اولیه داده‌ها، برای هر کد تعیین شده یک شرح‌واره (یادداشت و توضیح شخصی) یا به گفته گلاسر (۱۹۷۸: ۸۳) یک شرح‌واره نظری بنویسید. این شرح‌واره عبارت است از نوشته یا یادداشت مختصر و کوتاهی که خود محقق در زمینه یک کد می‌نویسد" (همان: ۳۳۲).

یکسان آیتی است که می‌تواند در مقوله‌ای عامتر قرار گیرد و برای تحقق چنین ایده‌ای جدول ۲ به شرح ذیل رسم می‌شود: از شمول بیشتری برخوردار باشد.

جدول ۲- کدبندی متمرکز (سطح دوم)

کدبندی متمرکز (سطح دوم)، موانع اجتماعی			
ردیف	کدبندی اولیه	کدبندی متمرکز	شرح واره کد متمرکز
۱	غرور حسادت و سرکشی استهزا نفاق مناسبات اجتماعی تکبر دوری از مدنیت و فقدان دانش	تعاملات اجتماعی نادرست	برخی از تعاملات بین آحاد جامعه دارای آسیب‌های جدی است که زمینه تفکر را زائل می‌کند و در ارتباط با دیگران سوگیری شده است و از آن تعبیر به تعاملات اجتماعی نادرست می‌شود.
۲	مجادله مغالطه	خصوصیات فرایندی	برخی از موانع در فرایند تفکر به چگونگی مواجهه با دیگران مربوط می‌شود که دارای سیکل معیوب است و از آن به خصوصیات فرایندی تعبیر شده است.
۳	تعصب و پیشداوری قوم‌گرایی	گرایش‌های سوگیری شده	برخی از کنش‌های اجتماعی ناشی از نوعی گرایش‌های سوگرفته شده‌ای است که الزامی به صحت و یا نادرستی آن وجود ندارد، بلکه اعتبار آن صرفاً مبتنی بر انتساب آن به فکر، ایده و یا گروهی خاص است؛ فارغ از این که درست یا نادرست باشد. تعصبات فردی و یا قومی می‌تواند مصادیقی از این نوع گرایش‌ها باشد.
کدبندی متمرکز (سطح دوم)، ناظر به سطح کلان			
۱	نظام سلطه طاغوت	نظام سیاسی	نظام سیاسی مجموعه به هم پیوسته نقش‌های سیاسی است که وظیفه اصلی‌اش حفظ تعادل نظام اجتماعی به اشکال گوناگون است.
	عالمان منحرف	نظام فرهنگی	نظام فرهنگی، مجموعه‌ای از دستگاه‌های فرهنگی است که وظایف هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی برای تعیین و تبیین فرهنگ هدف را برعهده دارند.
کدبندی متمرکز (سطح دوم)، پیامدهای عدم تفکر			
۱	پلیدی تحقیر علم بدون عمل شرک تردید	فردی	برخی از نتایج عدم تفکر متوجه فرد می‌شود که از آن به پیامدهای فردی تعبیر می‌شود.
۲	دنیاگرایی خرافه‌گرایی تقلید کورانه تفرقه	اجتماعی	برخی دیگر از نتایج عدم تفکر متوجه آحاد جامعه می‌شود و پیکره یک جامعه را در بر می‌گیرد که از آن به پیامدهای اجتماعی تعبیر می‌شود.

کدگذاری محوری آیات

"در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. یافتن کدهای مشترک و مقوله‌بندی محوری نیز مستلزم استفاده از روش مقایسه ثابت است. در این مرحله، نظریه به تدریج ظهور می‌یابد (همان: ۳۳۵؛ شریب، ۲۰۰۱: ۷۰ و نیومن، ۲۰۰۶: ۴۲۳).

هدف این مرحله از کدبندی، بازگرداندن نظم و انسجام به داده‌های کدبندی شده، دسته‌بندی، ترکیب و سازماندهی میزان زیادی از داده‌ها و باز جمع کردن آنها به شیوه‌های جدید است" (همان)

"در مرحله کدبندی محوری، هر مقوله می‌تواند دارای دو مشخصه محتوا و بعد باشد. ترکیب این دو مشخصه به ایجاد یک الگو می‌انجامد.

محتوا عبارت است از آن دسته از مفاهیم، معانی یا کدهایی که فضای معنایی درون یک مقوله را تشکیل می‌دهد. بعد به پراکندگی، کمیت و میزان وجود آن معانی در قالب یک پیوستار معنایی دلالت دارد. الگو نیز عبارت است از

ترکیب هر مشخصه محتوایی خاص با یک بعد خاص" (همان: ۳۳۶).

نهایتاً این که در این مرحله از کدگذاری به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و نحوه اتصال آنها نظر می‌افکنیم. در این مرحله با توجه به کدگذاری مرحله پیشین، کدگذاری محوری بدین صورت انجام می‌شود که مقولات با هم در ارتباط گذاشته می‌شود و با نگاهی ساختاری به آن می‌نگریم.

برای تحقق این مهم، محتوا و ابعاد هر یک از مقولات عمده در الگوی ارتباطی تحلیل می‌شود. بدین منظور، جدول سومی رسم می‌شود. در ستون اول کدهای متمرکز (سطح دوم) هستند؛ ستون دوم مقوله عمده کدهای سطح اول؛ ستون سوم محتوای مقوله عمده؛ ستون چهارم بعد ناظر به محتوا. شایان ذکر است که هر مقوله‌ای در این مرحله می‌تواند دارای محتواهای متعدد باشد و یا هر محتوایی نیز دارای ابعاد گوناگونی باشد و طبیعتاً تنوع و تکثر این محتواها و ابعاد دارای الگوهای متنوعی است.

جدول ۳- کدبندی محوری موانع تفکر و پیامدهای اجتماعی

محتوا	مقوله عمده	کد متمرکز
فاقد سازگاری با ساخت کلی نظام مضر در کارایی	مناسبات اجتماعی نادرست	تعاملات اجتماعی نادرست
مغایر با انتظار مردم متمایز از امری متداول و طبیعی		
خودبزرگ بینی تمرد و سرپیچی اعراض و رویگردانی شتابان به سوی فساد	تکبر	
سنگینی بر نفس تنفر از هدایت		
نتیجه دشمنی نتیجه تکبر	حسد	
	دوری از مدنیت و فقدان دانش	
سبک شمردن نتیجه نادانی نسبت به ارزش ها	استهزا	
ارزش زیاد برای خود قائل شدن نتیجه علم ظاهری و عدم بصیرت	غرور	
فساد استعداد فکری و اخلاقی فساد در زمین عدم درک صلاح و فساد نتیجه غفلت	نفاق	
نزاع و دشمنی باطل شدت خصومت نتیجه تقلید نتیجه عدم پیروی از حجت های عقلی	مجادله	خصوصیات فرایندی
استدلالی که نتیجه تابع مقدمه هایش نیست عقاید قالبی تصاویر ذهنی از پیش ساخته خرافات بیگانه هراسی کشمکش	مغالطه قوم گرایی	گرایش های سوگیری شده
نتیجه تقلید احساس و اندیشه منفی قضاوت قالبی تمایل غالباً ناآگاهانه	تعصب و پیشداوری	
پیروی از گذشتگان	خرافه گرایی بدعت گذاری تقلید پراکندگی دل های نابخردان تفرقه	پیامد اجتماعی عدم تفکر
اشتهال به لهو و لعب عدم شناخت پرستش غیر خداوند یکتا	دنیاگرایی تحقیر تردید شرک علم بدون عمل نادان دانستن دیگران	پیامدهای فردی

کدگذاری گزینشی آیات

"فرایند نظریه‌سازی زمینه‌ای در مرحله کدبندی گزینشی تقریباً به اتمام می‌رسد. در این مرحله، محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه پرداخته، به کدبندی داده‌های جدید نیازی ندارد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و هر کدام بر اساس مفاهیم کدبندی شده مراحل اول و دوم به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند" (همان: ۳۴۰).

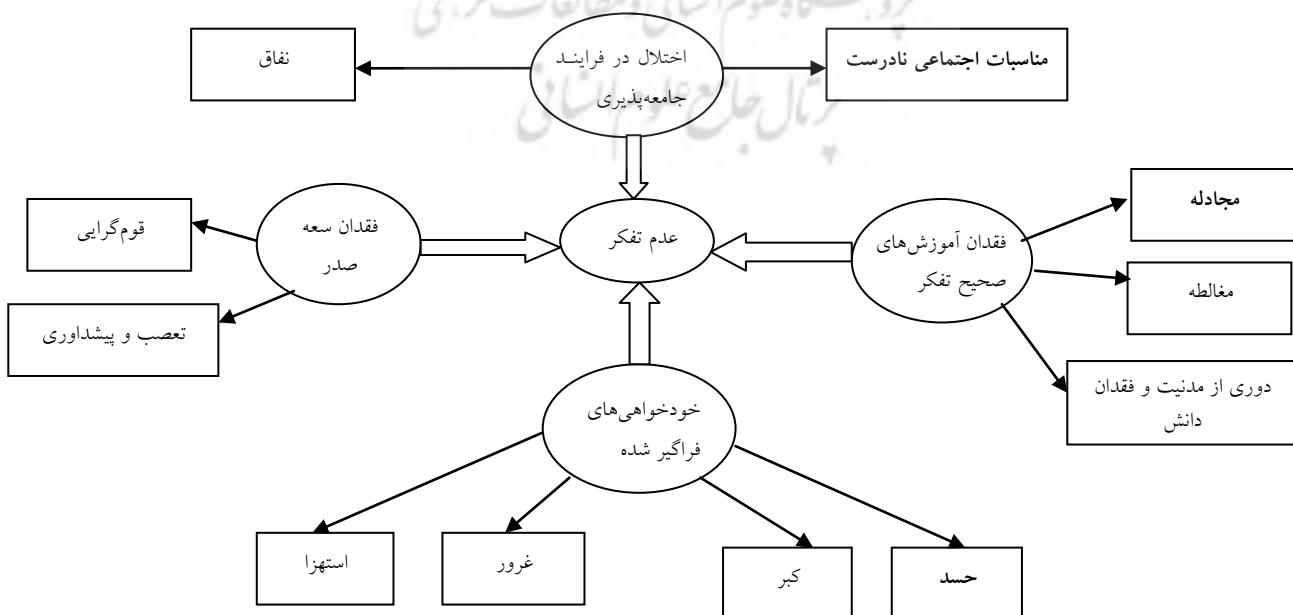
در این مرحله، یک دسته از داده‌ها را به عنوان هسته و مرکز بر می‌گزینیم و تمام دیگر دسته‌ها را با دسته دیگر مرکزی ارتباط می‌دهیم. ایده اصلی، ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط دیگر داده‌ها به این هسته است. (علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۱۰). محقق در کدگذاری گزینشی به دنبال کشف «خط اصلی داستان» است، که اساس پژوهش مبتنی بر آن شکل می‌گیرد.

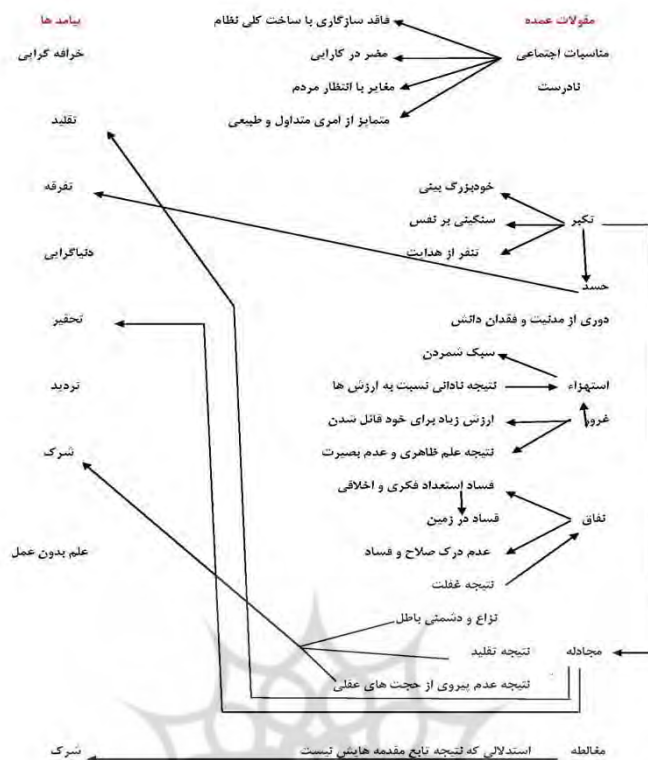
در این مرحله، محقق در صدد است از رهیافت کدگذاری دو مرحله پیشین به یک انسجام فکری برسد تا زمینه تدوین نظریه را فراهم آورد، لذا ناگزیر باید به زدایش و پالایش دست زند که نتیجه آن یکپارچه سازی و وصول به نظریه باشد.

"یکپارچه سازی تعاملی است که میان تحلیلگر و داده‌ها رخ می‌دهد" (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

هسته مرکزی را از میان مقولات انتخاب کرده، سایر مقولات را به نوعی با آن مرتبط می‌سازیم؛ باید توجه داشت که برقراری همه این ارتباطات میان مقولات مختلف با یکدیگر و عناوین متمایز و نتیجه‌گیری‌های بعدی می‌تواند با استفاده از دانش قبلی صورت بگیرد یا می‌تواند نتیجه «حساسیت تئوریک» (احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۹). شخصی محقق باشد و حساسیت تئوریک هم توانایی محقق در غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنا دادن به آنهاست (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴: ۲۲۸). البته، حساسیت تئوریک صرفاً از جنس نوآوری نیست، بلکه می‌تواند حساسیت محقق در برقرار کردن ارتباط میان یافته‌ها و نظریه‌های پیشین هم باشد (اورعی، ۱۳۹۰: ۹۷).

از مجموع آیات استقرا شده، خصلت خودخواهی‌های فراگیر شده و اختلال در فرایند جامعه‌پذیری برای یادگیری و درونی شدن هنجارهای تفکر در تعاملات اجتماعی نادرست، موانع تفکر را موجب می‌شود و از دیگر سو، در حوزه خصوصیات فرایندی تفکر، فقدان آموزش‌های صحیح تفکر مانعی جدی تلقی می‌شود. نهایتاً این که فقدان سعه صدر یا نبود آزاد اندیشی، گرایش‌های سوگیری شده و جزم‌اندیشی را موجب می‌شود.





نتیجه گیری

مسأله مورد پژوهش در این تحقیق، بررسی موانع اجتماعی تفکر و خردورزی در فرایند الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآنی بوده و بر این اساس، موانع ناظر به تعاملات اجتماعی تفکر، موانع در سطح کلان و پیامدهای حاصله، از کتاب وحی استخراج و تحلیل شد. از دیگر سو، مسأله تعیین اجتماعی معرفت، بحث اساسی

و مضمون اصلی جامعه‌شناسی معرفت را تشکیل می‌دهد. تعبیری مانند، منشأ، تعیین، علیت، وابستگی متقابل، سازگاری، هماهنگی در این حوزه دانش به کار رفته تا رابطه میان جامعه و اجزای آن و ساحت معنوی و فکری آن را نشان دهند. بر این اساس، نظریه حاصل از این مطالعه، موانع مؤثر بر فرایند تفکر در الگوی اسلامی پیشرفت را نشان می‌دهد:
- خصوصیت موانع ناظر به تعاملات اجتماعی نادرست،

دعوت شده‌اند تا به استدلال‌ها و برهان‌ها التفات و توجه کنند.
- بنابراین این، نمودار موانع اجتماعی تفکر را می‌توان با
چند متغیر رسم کرد:

از خودخواهی‌های فراگیر شده به عنوان تعاملات
اجتماعی نادرست تعبیر کرده‌ایم که اندیشه‌ورزی در حوزه
پیشرفت را مختل می‌کند.

از اختلال در فرایند جامعه‌پذیری برای درونی‌سازی
هنجارهای تفکر در تعاملات اجتماعی صحیح و فقدان
آموزش‌های صحیح تفکر در حوزه خصوصیات فرایندی تفکر
تعبیر شده است.

از فقدان سعه صدر یا نبود آزاد اندیشی برای گرایش‌های
سوگیری شده و جزم‌اندیشی استفاده شده است.

تعامل و داد و ستدهای جاری بین این متغیرها می‌تواند
سهم خردورزی را برای آحاد یک جامعه به ارمغان آورد.

- موانع اجتماعی سطح کلان تفکر شامل دو خرده نظام
فرهنگی و سیاسی است که در آیات قرآن از آن به عنوان
موانع بنیادین یاد شده که با اصلاح آن می‌توان زمینه
اندیشه‌ورزی را برای توده‌ها فراهم نمود.

خرده نظام سیاسی شامل حکومت‌هایی می‌شود که توسعه
علم و فناوری را در راستای نفوذ خویش بر توده‌ها لازم
ندانسته و چه بسا وجود و گسترش آن را با منافع طولانی
مدت خود نیز سازگار نمی‌بینند. قرآن از حکومت ظالمانه
فرعون که گستره نادانی را وسیله‌ای برای تداوم حکومت
می‌داند، یاد کرده است. وی با علم خود بر یگانگی خداوند
برای تعمیق این نادانی‌ها و تثبیت عدم تفکر از ابزارهای
گوناگونی بهره برد و هیچ‌گاه به توده‌ها اجازه نداد در
خصوص این امر بیندیشند.

در حوزه نظام فرهنگی، به آن دسته از دانشمندان اشاره
می‌شود که دست به عوام فریبی زده، از جهل توده‌های مردمی
در جهت خواست نامشروع خود بهره‌برداری می‌کردند.

تعامل دو خرده نظام یادشده، عرصه اندیشه‌گریزی و
فاصله هر چه بیشتر با پیشرفت را فراهم می‌نماید.

غیر مولد بودن کنش‌های انسجامی است؛ بدین معنا که این
دسته از کنش‌ها، زمینه تدافعی داشته، با روح همبستگی و
انسجام اجتماعی سازگار نیست. برای مثال، تزاید خصوصیات
مانند: حسادت، نفاق، استهزا و غرور در بین اعضای یک
جامعه می‌تواند روح و جهت اندیشه‌ورزی به سوی پیشرفت
را مختل نماید.

- دوری از مدنیت و فقدان دانش در یک جامعه، با
زندگی مسالمت‌آمیز پیشرفته در جهان امروز زاویه جدی دارد،
زیرا امروزه انباشت و تراکم دانش، شرط اولیه به زیستن
است؛ بنابراین، به هرمیزان این مهم دچار اختلال شود، به
درجاتی بیشتر از پیشرفت فاصله خواهیم گرفت.

- دوری از مدنیت و درونی نشدن عناصر فرهنگ
مطلوب، به عنوان مانع اجتماعی تفکر، می‌تواند شیب به
پیشرفت را کم کرده، حتی تداوم این وضعیت می‌تواند به
رکود خردورزی منجر شود.

- برخی از موانع اجتماعی، ناظر به خصوصیات فرایندی
تفکر است، مانند آن دسته از مجادلاتی که از مقدمات
صحیحی برخوردار نبوده، طبیعتاً نتیجه صحیحی نیز در بر
نخواهد داشت. مغالطات رایج نیز می‌تواند چنین نتیجه‌ای
داشته باشد، چون دارای مقدمات ناصوابی است.

- موانع اجتماعی تفکر، ناظر به گرایش‌های سوگیری
شده‌ای است که با روح خردورزی سازگاری ندارد، مانند:
قوم‌گرایی که ویژگی خود برترینی گروه اجتماعی خویش،
زمینه تفکر به غیر خویشان را می‌زداید و این خصوصیت با
روح نگرش به فرایند پیشرفت ناسازگار است. تعصبات نیز از
این جنس بوده که در آیات بسیاری از آن مذمت شده و
انسان‌ها نسبت به آن هشدار داده شده‌اند.

مقوله تعصبات گستره وسیعی از متغیرها را می‌تواند
شامل شود. دنیای بسیار پیچیده امروز می‌تواند طیف وسیعی
از متغیرهایی را که انسان‌ها نسبت به آن متعصب باشند، پیش
روی آنها بگذارد. پیش دآوری‌ها نسبت به فرهنگ دیگران به
عنوان روی دیگر این سکه می‌تواند درجه تعصبات را بیشتر
کند. لذا در این دسته از آیات، انسان‌ها به تفکر و خردورزی

منابع

- قرآن، با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- استراوس، انسلم؛ کرین، جولیت. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۷۵). قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- برایمن، آلن. (۱۳۸۹). کمیت و کیفیت در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هاشم آقابیک‌پوری، تهران: جامعه‌شناسان.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی - در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی به نقل از کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- روشه، گی. (۱۳۷۰). کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- سایر، آندرو. (۱۳۸۵). روش در علوم اجتماعی، رویکردی رئالیستی، ترجمه: عماد افروغ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، سید محمد. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰). ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی احمدی، ع. و نهایی، و. (۱۳۸۷). منتخبی از کتاب توصیفی جامع از روش‌های تحقیق، تهران: انتشارات تولید دانش.
- فرانکفورد، چاوا، نجمیاس، دیوید. (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، مترجمان: فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: انتشارات سروش.
- فراهانی، ح. ا.؛ عریضی، ح. ر. (۱۳۸۴). روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی (رویکردی کاربردی)، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قاسمی‌فر، نصرت‌الله. (۱۳۸۳). مکانیسم تفکر، تهران: قصیده‌سرا.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). ضد روش، تهران: جامعه‌شناسان.
- مکارم شیرازی و دیگران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصوریان، ی. (۱۳۸۵). «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، همایش چالش‌های علم اطلاعات، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- میرزا خسروانی، علی‌رضا. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی، تهران: انتشارات اسلامیه.
- علیزاده، عبدالرضا. (۱۳۷۶). «نگاهی به جامعه‌شناسی معرفت ماکس شلر»، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی شیوه تصمیم‌گیری و دلایل پس‌انداز مردم مشهد، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۵ق/۱۹۹۴م). البرهان فی علوم القرآن، تحقیق مرعشی، دارالمعرفه، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- عقاد، عباس. (۱۹۶۲م). الفلسفه القرآنیه، قاهره: دارالهلل.
- Grbich, Carol. (2007) *Qualitative Data Analysis: An Introduction*, London: sage.
- Hildenbrand, Bruno. (2004) *Anselm Strauss*, In Uwe Flick, Ernst von Kardorff and Ines Steinke (Eds.) *A companion to Qualitative Research*, London: sage.
- Lehmann, Hans. (2010) *The Dynamics of International Information systems*, Ramesh Sharda & Stefan VoB (Eds). New York, Springer.